

## تحصیل رایگان حق همگان!

- آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
- آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان



آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.



نسان نودینیان

### مرگ در جنگال قوه قضائیه چهار هزار و ۵۰۰ اعدامی بلا تکلیف!

صحبتهای یکی از اعضای  
جنایتکار «عضو کمیسیون حقوقی  
و قضایی مجلس اسلامی» به اندازه  
کافی گویا است؛ زندگی و ادامه  
حیات انسانها در ایران تحت  
حاکمیت نظام اسلامی در جنگال و  
زیر تیغ قوه قضائیه اسلامی، قرار  
گرفته است.  
میگویند: «هم اکنون چهار  
صفحه ۸

صفحه ۶

جدال دو جناح جنبش اسلام سیاسی و  
نقش سناریو سیاهی سازمان مجاهدین خلق / محمد آسنگران

صفحه ۶

جنگ و جنایت جنگی  
۱۸ هزار نفر در زندانهای رژیم اسد کشته شده اند! / نسان نودینیان

صفحه ۷

لیست کمکهای مالی رسیده به کمیته کردستان حزب

### بررسی تاریخ عروج و بقدرت رسیدن جنبش اسلام سیاسی بخش اول

را اشغال کرده است این اوضاع را  
چگونه میبینید؟



محمد آسنگران

**آسنگران:** کسی که میخواهد به  
این بحث ورود کند اگر پدیده جنبش  
اسلام سیاسی را به دقت نشناسد و  
اهمیت و خطراتش را نبیند  
نمیتواند اوضاع امروز را هم درست  
ببیند و توضیح بدهد و طبعاً راه  
حل درستی هم نمیتواند نشان بدهد  
که چرا این جنبش به اینجا رسیده و  
آینده اش چه خواهد بود و کی این  
بحران تمام خواهد شد و مردم  
چگونه میتوانند این جنبش خونریز  
را مهار کنند و شکست بدهند.

واقعیت این است تحولاتی که  
در اواسط قرن بیست در جامعه  
بشری رخ داده است در کلی ترین  
حالت چنین بود که از بعد از جنگ  
جهانی دوم دو قطب بزرگ سیاسی،  
اقتصادی و نظامی در جهان در  
مقابل هم قرار گرفتند. این دو قطب  
به بلوک غرب و شرق معروف شدند  
و بر سر تقسیم جهان و منطقه نفوذ  
و تسلط بر منابع ثروت و قدرت به  
رقابت با همدیگر پرداختند. تمام  
تحولات جهان در این دوره تا مقطع

**نسرین رمضانعلی:** رسانه های  
عمومی مرتب از اخبار تروریسم  
اسلامی میگویند امروز ما  
میخواهیم از یک بررسی تاریخی  
حرف بزنیم که جنبش اسلام سیاسی  
چگونه به قدرت رسید و کدام  
اهداف را تعقیب میکند. ما با دو  
جبهه تروریسم اسلامی مواجه  
هستیم. در این مورد مصاحبه ای  
با محمد آسنگران داریم که اوضاع  
سیاسی خاور میانه را مورد بحث  
قرار بدهیم.  
از یازده سپتامبر دو جبهه  
تروریستی اسلام سیاسی و تروریسم  
دولتی در مقابل هم این منطقه را با  
جنگ و خونریزی و ناامنی مواجه  
کرده است اکنون جدال دو شاخه  
جنبش اسلام سیاسی فضای منطقه

صفحه ۲

### نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

صفحه ۴

### سندج به زندگی رای داد!

صفحه ۴

### یادداشتهای هفته / عبدالکبریان

صفحه ۵

### اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق تهیه و تنظیم: پدی محمودی

صفحه ۸

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ بررسی تاریخ عروج و...

شکست بلوک شرق در اوایل دهه نود میلادی تحت تاثیر این بلوک بندی بودند. هر دو قطب تلاش میکردند قطب مقابل را تضعیف و نهایتاً شکست بدهد. بلوک غرب در این جنگ که به جنگ سرد معروف است پیروز شد.

در بتن تقابل دو بلوک غرب و شرق جنبش اسلام سیاسی عروج کرد. ناگفته نماند روند تاریخی تحولات منطقه قبلاً طوری رقم خورده بود که زمینه عروج جنبش اسلام سیاسی را بیش از پیش فراهم کرده بود. مهمترین فاکتور بوجود آمدن زمینه مناسب برای عروج اسلام سیاسی شکست ناسیونالیسم عرب در مقابل اسرائیل بود. زیرا در جنگ اسرائیل و جنبش آزادیبخش فلسطین پرچم مبارزه با اشغالگری اسرائیل ناسیونالیسم عرب بود. ناسیونالیسم عرب در جنگ شش روزه معروف به جنگ اعراب و اسرائیل شکست خورد. مناطق زیادی در این جنگ بوسیله اسرائیل اشغال شد و ارتش کشورهای عربی بویژه ارتش مصر شکست سختی خورد. این شکست یک تحقیر تاریخی برای ناسیونالیسم عرب محسوب میشود. بعد از این شکست زمینه عروج جنبشی به اسم جنبش اسلامی فراهم شد. زیرا اشغالگری اسرائیل و حقانیت مردم فلسطین سر جای خود بود و ابزار ایدئولوژیک مقابله با اسرائیل که ناسیونالیسم عرب بود در این جنگ با شکست مواجه شده بود. بنابر این طبیعی بود که بعد از این شکست مخالفین اسرائیل به فکر راه دیگر و ابزار ایدئولوژیک دیگری بیفتند. این تحولات زمینه ای بود که جنبش اسلام سیاسی از آن تغذیه کرد و ابعاد بزرگتری حتی جهانی بخود گرفت.

شاید گفته شود یک احتمال این بود که جنبش چه بتواند بعد از شکست ناسیونالیسم عرب عروج کند. اما به دلیل همسویی چه آن دوره که اساساً چه ناسیونالیست بودند شکست ناسیونالیسم عرب به حساب آنها هم گذاشته میشود. علاوه بر این مخالفت هیستریک همه جریانات اسلامی و ناسیونالیستی با چه و همسویی همه آنها با جنبش اسلامی طبیعی بود که اسلامیهها

میدان فعالیت و رشد بیشتری پیدا کنند. بویژه اینکه هر نوع گرایش به چه به همسویی با بلوک شرق معنی میشد و قبلاً هم جریانات چه آن دوره که عمدتاً ناسیونالیستهای عرب بودند و تحت نام چه فعالیت میکردند متحد ناسیونالیسم عرب بودند و یا بهتر بگویم بخش چه ناسیونالیسم عرب بودند و شکست آنها در جنگ شش روزه شکست چه هم محسوب میشد. اضافه بر این فاکتورها، اسرائیل و سازمان امنیت آمریکا (سیا) هم برای تضعیف و ایجاد تفرقه در صفوف جنبش ناسیونالیستی فلسطین دست بکار تقویت جریانات اسلامی شدند.

یکی از آن مقاطع مهم که جنبش اسلام سیاسی را به عنوان یک جنبش توده ای و قدرتمند به جلو صحنه راند این بود که بلوک غرب در دوران "جنگ سرد" برای مقابله با بلوک شرق جریانات اسلامی افغانستان و ایران را به دلیل ماهیت ضد کمونیستی آنها در دهه هفتاد میلادی بکار گرفتند و یا زمینه رشد و قدرتیگری آنها را فراهم کردند. از این مقطع جنبش اسلام سیاسی آشکارا بوسیله غرب تقویت، سازماندهی و کمک میشود. هدف آنها این بود بتوانند با کمک این جنبش در افغانستان ارتش شوروی آژمان را به عقب نشینی و شکست مواجه کنند. اما در ایران وقتی زیر بغل خمینی را گرفتند که از ماندن شاه قطع امید کردند و نگران عروج چه در ایران بودند.

با این سیاست، غرب به رهبری آمریکا بعد از فراهم نمودن پیروزی اسرائیل در جنگ شش روزه با "اعراب" که غیر مستقیم یک شکست برای بلوک شرق هم محسوب میشد، تلاش کرد شکست بعدی را در افغانستان به بلوک شرق تحمیل کند. جریانات اسلامی هم بعد از شکست ناسیونالیسم عرب به این نتیجه رسیده بودند که کمک شرق به جنبش فلسطین با شکست مواجه شده است و اکنون برای جبران شکست خود به یک "کشور اسلامی" حمله کرده است و میخواهد آنرا با "حکومت کمونیستی" اداره کند. از این منظر اسلامیهها از کمک آمریکا و سیا علیه شوروی "کمونیستی" استقبال کردند.

بویژه اینکه شوروی آن زمان در اختلافات دو بلوک غرب و شرق در کشور افغانستان نیروی نظامی بکار گرفته بود و حساسیت زیادی درست کرده بود. از نظر ایدئولوژی اسلامیهها که بلوک شرق را کمونیست و کافر و ضد خدا میدانستند زمینه همکاری با غرب را مجاز و به مصلحت میدانستند. جریانات اسلامی در جدال دو بلوک غرب و شرق امیدوار بودند که بتوانند با استفاده از کمکهای بلوک غرب خود را تقویت کنند و به قدرت برسند تا بتوانند "ممالک اسلامی را تحت قوانین شریعه" اداره کنند. اینرا اهدافی قابل حصول میدانستند. مخصوصاً جریانات اسلامی شیعه و سنی هر دو علاوه بر ضد یهود بودن و ضد اسرائیل بودن بشدت ضد کمونیست بودند. اسلامیهها در این دوره همزمان هم در فلسطین و هم در افغانستان فکر میکردند مورد تعرض قرار گرفته اند. ولی شکست فلسطین را شکست خود محسوب نمیکردند زیرا روشن بود که آنجا ناسیونالیسم عرب شکست خورده بود. جریانات اسلامی در افغانستان و ایران بدلائل تاریخی متعددی که اینجا فرصت طرح آنها نیست زمینه رشد و نفوذ پیدا کرده بودند. اما مهمترین فاکتور عروج آنها زمینه اجتماعی نبود بلکه جدال و رقابت دو بلوک غرب و شرق بود که به آنها میدان رشد و نفوذ بیشتری میداد.

**رمضانعلی:** شما به شکست ناسیونالیسم عرب در مقابل اسرائیل اشاره کردید اما مردم فلسطین سر زمین خود را اشغال شده میدانند و عربستان هم در آن دوره کمتر به عنوان یک کشور اسلامی در این جدال ظاهر میشود این در حالی است دولت و حکومت آنها اسلامی بود چرا؟

**آسگران:** درست است که عربستان بعد از قدرت گیری اسلام همیشه حکومتش اسلامی بوده است. اما در یک پروسه زمانی عربستان بعد از اینکه به عنوان یک کشور برسمیت شناخته میشود در بلوک غرب بوده است. اما همین عربستان خود را مدافع جنبش فلسطین میدانند و مخالف اسرائیل. زیرا مخالفت با یهود در مذهب اسلام و مسیحی قدیمی و تاریخی است. بویژه

اسلامیهها ابتدا با شکست یهود توانستند به قدرت برسند. قتل عام یهودیهها در دوران پیغمبر اسلام و بقیه امامان اسلامی امری روشن است. اما بعد از جنگ جهانی دوم و درست شدن کشوری به اسم اسرائیل و حمایت غرب از آن، مخالفت شدید عربستان و جریانات اسلامی و ناسیونالیست عرب را به دنبال داشت. بویژه اینکه اسرائیل با اشغال سرزمینهای فلسطین به عنوان یک کشور اشغالگر نقشی مخرب ایفا کرد و زمینه عروج جنبشی به اسم جنبش فلسطین و اتحاد ناسیونالیسم عرب را بوجود آورد. بنابر این شکست ناسیونالیسم عرب بوسیله اسرائیل شکست عربستان و مصر و... هم محسوب میشود. بعد از این شکست است که یک نیروی حاشیه ای که امروز به اسم جنبش اسلامی میشناسیم به تقلا میفکند که با اتکا به ایدئولوژی اسلامی بتواند در مقابل اسرائیل سنگر بندی کند. از این مقطع به بعد همه جریانات و گروههای اسلامی فعالیت خود را شدت میبخشند. هم با اتکا به جنایتهایی که دولت اسرائیل مرتکب شده است هم با اتکا به مظلوم نمایی این جریانات از "امت اسلامی" که مورد یورش و اشغال دو بلوک شرق و غرب قرار گرفته است یا تحت تسلط آنها است. که نمونه آن علاوه بر فلسطین افغانستان و ایران و... است. ناگفته نماند اخوان المسلمین از سال ۱۹۲۶ و بعد از تحولات جنگ جهانی اول پا به فعالیت سازمان یافته برای برقرار حکومت اسلامی در "ممالک اسلامی" گذاشت. اما تا مقطع دهه هفتاد میلادی همه جریانات اسلامی در حاشیه جامعه بودند و پدیده ای میرا و رو به انقراض محسوب میشدند. زیرا این دوره همزمان است با رشد سرمایه داری در منطقه و این سیستم مدرن بعد از فتوای الیسم ایدئولوژی ناسیونالیستی را تقویت میکند و اسلام به عنوان ایدئولوژی دوران برده داری و فتوای هر روز حاشیه ای تر میشود. اما شکست ناسیونالیسم عرب در "جنگ اعراب و اسرائیل" باعث شد که ویروس اسلام سیاسی دوباره زنده بشود و نطفه های آن همانند سلول اولیه بدخیم سرطانی به سرعت رشد کند.

با این حال جنبش اسلامی تا

مقطع قدرتیگری خمینی در ایران و مجاهدین در افغانستان همچنان در حاشیه جامعه قرار دارد. جدال دو بلوک غرب و شرق و کمک غرب به این ویروسهای خفته، جنبش اسلامی را به هیولایی تبدیل کرده است که خالقین آن نه تنها بر آن کنترلی ندارند بلکه به رقیب آنها تبدیل شده است و همه جهان تحت تاثیر این ویروس خطر ناک قرار گرفته است.

**رمضانعلی:** شما از زمینه های عروج جنبش اسلام سیاسی گفتید اما نقش دولتهای غربی در قدرتیگری این جنبش بطور مشخص باعث شد که هم در افغانستان آنها قدرت بگیرند و هم در ایران یک انقلاب آزادخواهانه را با کمک به این جنبش شکست بدهند.

**آسگران:** جازه بدهید ابتدا تاکید کنم که کمک غرب به این جنبش و جریانات ارتجاع اسلامی حتی از نمونه های افغانستان و ایران قدیمی تر است. در فلسطین هنگامیکه اسرائیل و دولتهای غربی تحت فشار حامیان جنبش فلسطین قرار گرفتند برای تضعیف آن جنبش در ابعادی منطقه و جهانی دست بکار درست کردن و تقویت جناحهایی اسلامی و گروههای حاشیه ای اسلامی درون و بیرون این جنبش شدند. هدف آنها ایجاد تفرقه در جنبش فلسطین و حامیان آن بود. اما بعداً هنگامیکه شوروی در افغانستان دخالت نظامی کرد آمریکا مستقیم و غیر مستقیم از طریق متحدینی مانند پاکستان و عربستان از لحاظ مالی و نظامی و آموزش و جاسوسی و غیره جریانات اسلامی افغانستان را در مقابل شوروی تقویت کرد. همزمان انقلاب در ایران آغاز شد. ابتدا تلاش کردند شاه را کمک کنند که انقلاب سرکوب بشود. اما هنگامیکه مانند مصر ۲۰۱۱ نتوانستند رژیم شاه را بر اوضاع مسلط کنند دست بکار تقویت جریان خمینی به جای شاه شدند. اگر قبلاً ما اینرا تحلیل میفکتم اکنون خودشان بخشی از اسناد کنفرانس گوادلوپ و اقدامات پنهانی آن دوره دولت آمریکا و متحدینش را منتشر کرده اند. بخش زیادی از این اسناد در سایت ویکی لیکس هست. هدف آنها در ایران هم این بود که به

## از صفحه ۲ بررسی تاریخ عروج و...

دلیل ماهیت ضد کمونیستی اسلام و جریانات اسلامی زمینه قدرت گیری خمینی را در مقابل چپ فراهم کنند. چیزی که آنرا کمر بند سبز مینامند. زیرا طرحشان این بود اگر افغانستان و ایران تحت حاکمیت جریانات اسلامی باشند دولتهای ضد کمونیست خواهند بود و به ترکیه وصل میشدند که عضو ناتو بود و از این ناحیه احساس خطر نمیکردند.

به این ترتیب با قدرت گیری جریانات اسلامی در افغانستان و ایران اولین دو قطب اسلامی سنی و شیعه هم شکل گرفت. نتیجه قدرتگیری این دو جناح اسلامی این بود که در افغانستان جنگ و جایجایی قدرت بوسیله جریانات اسلامی در رقابت با همدیگر ادامه دار شد و امکان نفوذ و تاثیر گذاری آن در جهان محدود و قابل مقایسه با جمهوری اسلامی نبود. بنابر این جمهوری اسلامی همه دولتهای عربی و اسلامی را که متحد غرب بودند فاسد اعلام کرد و فرمان صدور انقلاب اسلامی به آن کشورها را داد. از این مقطع جمهوری اسلامی به عنوان تهدیدی برای کشورهای منطقه محسوب میشد. جنگ ایران و عراق هر زمینه تاریخی و سیاسی دیگری داشته باشد پوشش ایدئولوژیک آن این بود که دولتهای عربی نمیخواستند شاهد قدرتگیری جریانات اسلامی شیعه باشند زیرا قدرت و ثروت خود را در خطر میدیدند.

ابتدا با شروع جنگ ایران و عراق انتظار میرفت که دولت عراق سکان جبهه مقابل جمهوری اسلامی را با تحریک ناسیونالیسم عرب به دست بگیرد. اما تحولات منطقه و جهان طوری رقم خورد که صدام حسین سرنگون شد و عملاً عربستان به دلیل قدرت پول نفت و جایگاه سنتی آن در میان دولتهای اسلامی سکاندار جبهه مخالف جمهوری اسلامی را با اتکا به ایدئولوژی اسلام سلفی سنی شد.

از این مقطع به بعد هم عربستان سعودی و کشورهای متحدش و هم جمهوری اسلامی در ابعادی منطقه ای و جهانی تلاش میکنند جریانات اسلامی نوع خود را تقویت کنند. به همین دلیل است که ما میگوییم

سیاست و تاکتیک خاصی برای آنها برجسته میشود. اما همه آنها استراتژیست برقراری حکومت اسلامی و اجرا شدن شریعت اسلامی است. همه شاخه های سنی و شیعه این جنبش برای رسیدن به این استراتژی که سهم قدرت و ثروت بیشتری را عاید خود بکنند و رقباتی منطقه و جهانی خود را وادار به عقب نشینی و یا شکست کنند تغییر نداده اند.

جنگ و رقابت جریانات اسلامی با همدیگر و با دولتهای منطقه برای رسیدن به استراتژی فوق است. اما همه آنها میدانند که دولتهای منطقه هر کدام متحدینی جهانی دارند. بویژه این امری آشکار است که کشورهای غربی در شکل دادن به سیستم حکومتی و اقتصادی این منطقه نقش تعیین کننده ای دارند. مخالفت و تقابل جریانات اسلامی با دولتهای غربی از منافع سیاسی و استراتژی منطقه ای آنها نشأت میگیرد اما برای توجیه آن و تشویق هواداران خود به ایدئولوژی اسلامی و جنگ تا رفع فتنه از جهان و رسالت جهانی اسلام و... نیاز دارند و بیش از پیش به این ایدئولوژی اتکا میکنند.

تضاد امپریالیست بودن ترمینولوژی چپهای پرو روس بود که اسلامیها برای ضمیمه شدن با غرب آنرا مال خود کردند. در یک دوره که آثارش هنوز قابل مشاهده است جریانات اسلامی و چپ سنتی به دلیل ضد امپریالیست بودن به معنای ضد غرب و ضد آمریکا بودن در یک جبهه قرار میگیرند. اتفاقی نبود که در ایران بعد از انقلاب ۵۷ حزب توده و اکثریت سازمان فدایی و بسیاری از چپهای سنتی خود را نزدیک به خمینی و در آن جبهه قرار گرفتند. یا سازمان مجاهدین خلق ایران نیروی نزدیک به سازمان چریکهای فدایی خلق بود که بعداً یک دوره زیر عبا خمینی قرار گرفت. و باز هم اتفاقی نیست که همین سازمان مجاهدین در رقابت با خمینی در کنار صدام حسین قرار میگیرد و امروز میخواهد از زیر

عبای پادشاهان عربستان رو به رقیب خود در تهران شلیک کند. این اتفاقی نیست که هنوز در اروپا بخشی از چپها عکس حسن نصرالله این مرتجع و خونریز اسلامی را در دست میگیرند و به تظاهرات

خیابانی می آیند.

**رمضانعلی:** چگونه است که همه جریانات اسلامی به نوعی مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق متحدین غرب در منطقه از کمک و همکاری آمریکا و غرب بهره مند بوده اند اما بعد از قدرت گیری چه به عنوان دولت و چه به عنوان جریانی که هنوز به حاکمیت نرسیده است در تقابل با آمریکا و غرب هیچ شک و شبهه ای به خود راه نمیدهند؟

**آسگران:** برای پاسخ به این سوال باید همین تاریخ تحولات و شکل گیری و قدرت گیری جریانات اسلامی را که قبلاً گفتیم بررسی کرد. ابتدا همه جریانات اسلامی پرچمشان مظلوم بودن مردم فلسطین و حمایت از آنها و تقابل با اسرائیل بود. بویژه بعد از شکست ناسیونالیسم عرب جریانات اسلامی فکر میکنند با این ایدئولوژی نمیشود و باید به ایدئولوژی اسلامی اتکا کرد. فکر میکنند پاسخ درست برای تقابل با اسرائیل اتکا به اسلام و قرآن است. بویژه اینکه از نظر ایدئولوژیک اسلامیها ضد یهود و ضد اسرائیل هستند. نه امروز بلکه از روز اول تولد اسلام این بخشی از ایدئولوژی اسلامی بوده است. همچنانکه بخشی از ایدئولوژی

جریانات اسلامی آن دوره و تا مقطع شکست آمریکا در عراق یک شعار واحد به اسم ضمیمه با آمریکا و اسرائیل و امپریالیسم دارند این سیستم فکری بطور برجسته ماهیت ضد امپریالیستی آنها را تشکیل میدهد. اما از مقطعی که بخش شیعی این جنبش در عراق قدرت را قبضه میکند و جناح اسلام سیاسی سنی را حاشیه ای میکند و در لبنان بخشی از قدرت را عاید خود میکند و سوریه هم قبلاً منطقه نفوذش بوده است و... تقابل اصلی ضد امپریالیستی جناح اسلام سیاسی سنی بویژه با توجه به نقش برجسته عربستان و کشورهای عربی در هدایت و تقویت این جنبش به شکل تاکتیکی جایش را به ضمیمه با

اسلام نوع شیعه میدهد. تحولی که بوجود آمده است در ماهیت ارتجاعی و ضد غربی و ضد آمریکایی آنها نیست. همه آنها نه تنها ضد غرب و ضد آمریکا بلکه ضد هر نوع پدیدۀ غیر اسلامی هستند. جریانات اسلامی اکنون بیش از پیش به اصل اسلام نزدیک شده اند. زیرا اسلام از روز تولدش با همین مسائل منطقه ای درگیر شد و پاسخ خود را به مسائل منطقه ای داد. بعد از یک دوره قدرتگیری اسلام در منطقه و شکست یهودیها و دیگر رقباتی منطقه ای تازه جنگ با مسیحیت اروپا به هدف تصرف جهان را آغاز کرد که در آن شکست خورد.

جریانات اسلامی در دهه هفتاد و دهه هشتاد میلادی ابتدا در تقابل با شرق در افغانستان و بعداً در تقابل با غرب و آمریکا وارد میدان سیاست شدند. اما هدفشان فعلاً رسیدن به قدرت در همین منطقه خود بود. در این رویا رومی و تقابل قدرتهای منطقه ای، سکان جنبش اسلامی نوع شیعه دست جمهوری اسلامی بود و هنوز هست. اما در جبهه اسلام سیاسی نوع سنی تغییراتی ایجاد شده است. ابتدا گروهها و جریانات اسلامی در افغانستان شکل گرفتند. اما با جنگ و جدال درون جناحی درگیر شدند و هنوز هم هستند. آن دوره جریاناتی "مستقل" مانند القاعده و طالبان و... در افغانستان شکل گرفتند و سکان دار و رهبر منطقه ای و جهانی نداشتند.

تحولات منطقه و فشار جمهوری اسلامی و متحدینش جبهه مقابل را به سمتی سوق داد که اکثر جریانات اسلامی جناح سنی رسمی و غیر رسمی از یک سکاندار و رهبر به اسم عربستان سعودی تبعیت کنند و یا تحت تاثیر امکانات و پول و اسلحه او را به رهبری بپذیرند. اکنون همه جریانات اسلامی کم و زیاد مستقیم و غیر مستقیم در چهارچوب سیاست و استراتژی تعیین شده عربستان بازی میکنند.

ادامه دارد

**زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!**

## نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودیبنیان، نسرين رضائعی

### عرصه های اجتماعی

رضا درمیشیان کارگردان و نویسنده فیلم لاتتوری با موضوع اسید پاشی، فیلمش را به زنانی که قربانی اسید پاشی شدند تقدیم کرد! این فیلم به خانم ها معصومه عطایی و خانم زیور پروین تقدیم شد. کارگردان فیلم میگوید: من به نمایندگی از همه انسانها از شما معذرت میخواهم بخاطر این جامعه خشن و بخاطر این همه ظلم بشما شده است! معصومه عطایی؛ میگویم ساختن این فیلم (اسید پاشی) جسارت بزرگی است. که برای اولین بار ساخته شده؛ زیور پروین؛ هر چند بیشتر تکرار بشه باز هم کم است!

**سنندج؛** برگزاری همایش ورزش صبحگاهی دوستانداران ضایعات نخاعی در پارک سپیدار سنندج  
**بوکان؛** سی و هفتمین کمپین، سه شنبه های بدون خودرو در شهر بوکان

### زانیار و لقمان مرادی را آزاد کنید

گنجشکی در زندان رجایی شهر، اسیر شده بود. پایش به نخهایی که به سیمهای خاردار متصل بودند، گیر کرده بود. انگار صحنه وحشتناک اعدام بود. داشت جان می داد. زندانیان شوکه شده بودند. انگار صحنه اعدام یک گنجشک را می دیدند. می خواستند هر طور که شده نجاتش دهند. از بین زندانیان، زانیار و لقمان مرادی بیش از سایرین، برای رهایی گنجشک تلاش می کردند. بیش از سایرین ناراحت بودند؛ و آخرین نفری بودند که تا آخرین لحظه برای رهایی گنجشک، تلاش کردند. تلاشی که به نتیجه نرسید. گنجشک در مقابل دیدگان زندانیان اعدام شد».

این خاطره ای است که «هادی امینی» همبندی سابق زانیار و لقمان در یک مصاحبه تلویزیونی تعریف می کند. لقمان و زانیاری که هر لحظه، مرگ و اعدام در کمینشان است. آیا تلاشی که لقمان و زانیار برای رهایی یک گنجشک کردند، برای رهایی خودشان هم به جریان می افتد؟

برگرفته از صفحه اقبال مرادی

### دستگیری

ارومیه؛ نیروهای اطلاعات ارومیه حکیم شجاعی جوان ۲۲ ساله (اهل روستای "گندویله" اشونیه) را بازداشت کردند.

### مرگ کارگر کولبر

۲۶ مرداد؛ در پی تیراندازی مأموران مسلح مرزی در ارتفاعات کبلهشین در اشونیه خالد بنگینی از اهالی روستای "هق" کولبر ۳۰ ساله جان خود را از دست داد.

### کارگران شهرداری سردشت سه ماه معوقات مزدی دارند

پرداخت حقوق ۲۰۸ کارگر شاغل در شهرداری «سردشت» در استان آذربایجان غربی سه ماه به تاخیر افتاده است. با وجود آنکه از حدود سه ماه قبل مسئولیت شهرداری سردشت به سرپرست محول شده باز هم کارگران با مشکلات معیشتی ناشی از عدم دریافت مزد مواجه اند. طبق گزارش کارگران علاوه بر دستمزد، شهرداری سردشت در پرداخت بیمه کارگران به تامین اجتماعی کوتاهی کرده است و به همین دلیل تامین اجتماعی سردشت نیز دترچه های درمانی کارگران را یکماهه تمدید می کند.

### دیدار فعالین کارگری از محمد جراحی

روز پنجشنبه ۲۸ مردادماه تعدادی از چهره های مبارز کارگری از جمله جعفرعظیم زاده و محمودصالحی هرکدام از راه های دور به دیدار محمد جراحی عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری و یکی از رهبران زندانی جنبش کارگری ایران که بعد از تحمل ۵ سال درد و رنجهای روحی و جسمی ناشی از شرایط فضای غیر انسانی حاکم بر زندان در روز سه شنبه ۱۹ مرداد ۹۵ آزاد شده بود، رفتند. فرصت این دیدار که اینک پس از سالها مقاومت و پایداری و مبارزه و تحمل مصائب و مشکلات فراوان که بصورت جداگانه و درعرصه های مختلف فعالیت های کارگری برای هریک از این رهبران حاصل شده بود، در فضایی بسیارصمیمی و پرشور صورت

گرفت. در این دیدار ضمن گرامیداشت زنده یاد شاهرخ زمانی و ابراز خشنودی از آزادی محمد جراحی پس از ۵ سال مقاومت، این رهبران جنبش کارگری بر ادامه تلاشها و مبارزات خود برای دستیابی به مطالبات حق طلبانه کارگران و لغو اتهامات امنیتی بر فعالیتهای صنفی و مدنی پای فشردهند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران  
۲۹ مرداد ماه ۱۳۹۵

### بیاد عمر شاکری فعال کارگری

بخشهایی از نوشته «خسرو غلامی» راز جاودانه گی عمر شاکری

دقیقه های پایانی پنج شنبه گذشته، یک جمله خبری کوتاه، همه ما را تکان داد و در بهت و ماتم فرو برد: "با کمال تأسف امشب عمر شاکری در شهر سقز درگذشت." سراسیمه و پریشان گویی را به دست گرفتیم و در لیست نام "سید" را پیدا کردیم. پرسیدیم حقیقت دارد؟ - متأسفانه کاک عمر از میان ما رفت. بغض گلوئی ام را گرفته بود. باید به محمد زنگ می زدم. در دسترس نبود. طولی نکشید که جواب داد: پیکر عمر شاکری را به شهر سقز آوردیم و... و حرف های او دیگر پایانی بود بر نابوری های همه ما! و پس از آن صداهای ضعیف و غمناک بود که میان من و دوستانم رد و بدل شد که حاصل این خبر تأسف بار بودیم. خبر مرگ کاک عمر شاکری برای همه ما سخت بود. نام او برای ما یادآور یک انسان خوش اخلاق و دوست داشتنی و دارای اندیشه های بزرگ است. اگر ما چنین دوست عزیزمی را از دست دادیم، همسر و فرزندان او، کسی را از دست دادند که مهربانی و فداکاری و زحمت و تلاش بخش جدایی ناپذیر زندگی اش بود. عمر شاکری اما فقط متعلق به خانواده و دوستان اش نبود، او بخشی از مردمی بود که در کنارشان می زیست و از آرزوها و خواسته های روزانه شان می گفت. او از داشتن یک زندگی شایسته برای کارگران و مردم زحمتکش صحبت می کرد و اینکه شرط داشتن چنین زندگی ایی، آگاهی از حقوق اجتماعی است. به این خاطر از شیوه های مختلف تلاش می کرد تا سطح آگاهی اطرافیان اش را بالا ببرد.

## سنندج به زندگی رای داد!

روز سه شنبه ۲ شهریور جوانی متهم به قتل از پای چوبه دار برگشت. او بار رضایت خانواده مقتول از اعدام نجات یافت.

در سال ۹۱ نزاعی بین دو جوان در می گیرد که در جریان آن متأسفانه دلیراحمدی ۲۳ ساله جان می بازد. جوانی به نام رشاد رشیدی به اتهام این قتل دستگیر و راهی زندان می شود. امروز سه شنبه ۲ شهریور قرار بود که او اعدام شود که خوشبختانه با رضایت خانواده احمدی، رشاد رشیدی از مرگ نجات یافت. یک اقدام انسانی که شایسته تقدیر و سپاسگزاری فراوان است.

و اما این حرکت انسانی چگونه میسر شد؟ از همان سه سال پیش که رشاد رشیدی روانه زندان شد و به اعدام محکوم گردید، از سوی فعالین اجتماعی و مدنی شهر سنندج از جمله سیمین چایچی شاعر و فعال مدافع حقوق انسان، مظفر صالحنیا، سهراب جلالی، خانواده مجبیلی، حامد محمینی و شیث اماتی و... تلاش هایی برای متقاعد کردن خانواده مقتول

عمر شاکری با قوم پرستی، ناسیونالیسم و خرافه میانه ای نداشت و بر این باور بود که انسان ها قبل از اینکه از هر ملتی زاده شده باشند و یا اصالت شان از هر نژادی باشد، "جمعی شریف و انسانی" هستند که منافع مشترکی در زندگی واقعی دارند.

از زنده یاد عمر شاکری خاطره های زیادی هم در بین فعالین عرصه مسائل کارگری بر جای مانده است. او پایبند به وجود صف مستقل کارگران در جامعه و رویاروی های اجتماعی بود. علاوه بر این در مناسبات و روابط بین فعالین کارگری تلاش می کرد بیشترین تعامل را با دوستان اش داشته باشد. او در فعالیت های اش مثل همه ما و هر کسی دیگر، دارای ضعف ها و قوت هایی بود، اما روحیه انتقاد پذیری داشت و معتقد بود که هر کسی از طریق پذیرفتن اشتباهات و ایرادات خودش، می تواند بیشتر به سمت روحیه کار جمعی حرکت کند. عمر شاکری

بمنظور بخشش وی آغاز شد. در روزهای اخیر و همزمان با قطعی شدن روز اعدام رشاد رشیدی این تلاش ها شدت بیشتری یافت. فعلا ان مدنی شهر سنندج به منزل مقتول رفتند و بار دیگر با خانواده وی دیدار کردند. سیمین چایچی در مصاحبه با بی بی سی گفته است که خانواده مقتول با "خوشرویی" پذیرای آنان شدند.

از سوی دیگر محمد امین کمانگر فعال کمیته بین المللی علیه اعدام که در تلاش های انسانی برای نجات جان رشاد رشیدی مشارکت داشته، در فیس بوک خود نوشت که شامگاه دوشنبه اول شهریور گروههایی از مردم شریف شهر سنندج در جلوی زندان اجتماع کردند و تا صبح یعنی هنگام اجرای مراسم اعدام آنجا بودند. شاهدان در صحنه گفته اند زمانی که طناب دار بر گردن رشاد رشیدی قرار گرفت، مادر دلیر احمدی (مقتول) وی را بخشید و طناب دار را باز کرد.

فعلا ان مدنی شهر سنندج از مردم خواستند، برای قردردانی از خودمحمور نبود و کیش شخصیت نداشت و برای اراده جمعی ارزش قائل بود و خرد جمعی را به فردگرایی در فعالیت ترجیح می داد

و معتقد بود که بر بستر دوستی و رفاقت، باید گفتگوی سازنده و سالم را تقویت کرد. و تلاش های بسیاری برای رسیدن به ایجاد فضای دوستی و تعامل و گفتگو بر محور مطالبات جنبش کارگری انجام داد.

می توان خصوصیت های بارز دیگری از عمر شاکری برشمرد که آگاهی بیشتری از زندگی و مبارزه او به ما می دهد؛ اما به نظرم همین کافی است تا این واقعیت را دریابیم که "عمر شاکری هم جاوانه شد!"

زندگی او بخشی از مبارزه تاریخ بشر برای بهبود و تغییر در شرایط زندگی انسان است و با مرگ اش هم، او به جاوانه گان تاریخ پیوست.

یاد و خاطره ی رفیق عزیزمان عمر شاکری برای ما همیشه ماندگار و فراموش نشدنی است.

خسرو غلامی

۱۳۹۵ / ۵ / ۲۸

## یادداشتهای هفته

## مدال انسانیت، در حاشیه المپیک ۲۰۱۶

عبدل کلیریان



روز سه شنبه ۱۶ اوت مسابقه دو ۵۰۰۰ متر را نگاه میکردم. در لحظات پایانی دور آخر این مسابقه "نیکی هامبلین" از نیوزلند در وسط دیگر دوندگان بر زمین افتاد. نفر پشت سر او "داگوستینو" از آمریکا ابتدا بخاطر اینکه با او تصادم نکند ضمن پرش کوتاهی از روی نیکی هامبلین که روی زمین دراز کشیده بود بلافاصله توقف کرد و برای کمک رساندن به وی از ادامه دو خودداری کرد. داگوستینو به همکار ورزشی اش که بر روی زمین افتاده بود و دو قسمت ناحیه هر دو پاهایش صدمه دیده بودند گفت: "بلند شو باید بقیه مسافت را بپایان برسانیم".

هنگامیکه این صحنه را با کنجکاوی نگاه میکردم داگوستینو دست بردار نبود. بنظر میرسید که برای گرفتن مدال قهرمانی به المپیک آمده است بلکه برای یاری رساندن به هامبلین برایش از مدال اهمیت بیشتری داشت.

بعد از این اتفاق زانوی راست داگوستینو پیچ خورد و دردی را در پایش حس کرد و هامبلین پشت سر او ایستاد تا مطمئن شود که دوست جدیدش می تواند سر پا بایستد.

دورهای پایانی بود و در نهایت هامبلین مسابقه را با زمان ۱۶:۴۳،۶۱ ادرده بیست و نهم به پایان برد و دوندۀ آمریکایی با زمان ۱۷:۱۰،۰۲ در رتبه بعدی قرار گرفت. بعد از اتمام مسابقه این دو همبگیر را در آغوش کشیدند. و در آغوش هم گریه کردند. پس از آن بود که دوندۀ آمریکایی که درد زیادی را حس می کرد سوار بر ویلیچر شد. در پایان مسابقه هامبلین در مورد این اتفاق گفت: "این دختر روحیه المپیکی را به نمایش گذاشت. من زمین خوردم و در آن لحظه از خودم می پرسیدم "چه شده؟ من چرا روی زمین هستم؟" در همان موقع بود که آگوستینو دستش را روی شانه ام گذاشت و گفت "بلند شو. ما باید

آمریکایی گرفته تا مصدومیت شدید سمیرا ایت سعید فرانسوی و سلفی گرفتن دو ژیمناست اهل کره شمالی و کره جنوبی به رغم اختلافات و مشکلات سیاسی موجود میان دو کشور. اما این بار نوبت یک دختر نوجوان از چین بود که در مسابقات ژیمناستیک توجه دوربین های خبری را به خود جلب کند.

سوژه این ماجرا، شانگ چونسانگ، ژیمناست نوجوان چینی بود. این دختر ۲۰ ساله، در فینال یکی از شاخه های ژیمناستیک در رده پنجم قرار گرفت و در مجموع مسابقات چهارم شد و بدین ترتیب نتوانست به مدال برسد. این درحالی بود که او برای رسیدن به مدال دست کم برزیلی تابی می کرد. اشتیاق و میل او برای بردن مدال، فقط کسب یک افتخار ورزشی نبود و او در کنار این موضوع، به مسائل دیگری هم فکر می کرد و قصد داشت تا با کسب مدال المپیک، و پاداش نقدی که در کنار آن به ورزشکاران پرداخت می شود، کمی از مشکلات اقتصادی خانواده بکاهد اما بعد از ناکامی در کسب این مدال، چونسانگ نتوانست اشکهایش را کنترل کند. او که تا یک قدمی فتح مدال پیش رفته بود، حالا دستش از مدال کوتاه مانده بود.

والدین چونسانگ هر دو ژیمناست هستند و این دختر نوجوان امیدوار بود تا با کسب مدال المپیک و در کنار آن پاداش در نظر گرفته شده مالی، بتواند تا با فراهم کردن هزینه جراحی، به برادرش که نابیناست کمک کند تا دیدش را به دست بیاورد. اما حالا چونسانگ بدون آنکه توانسته باشد هدفش را محقق کند برزیل را با دو دیپلم المپیکی و تحسین و تمجید هوادارانی که از رقابت او لذت برده بودند ترک خواهد کرد.

آیا اگر شانگ چونسانگ زندگی نسبتاً مرفهی داشت و درمان رایگان در چین حکم فرما بود، اینگونه اشکهایش سرازیر میشد؟ شانگ چونسانگ تمام توان خود را بکار گرفت تا بلکه بتواند برادر نابینایش را درمان کند و اندکی زندگی خانوادۀ اش را بهبود بخشد. اینجا است که در جامعه تحت حاکمیت سرمایه، نیازمندان حتی رقابتهای

ورزشی را برای تامین زندگی اقتصادی، پزشکی و مالی بکار میبندند. شانگ چونسانگ نه تنها بی تقصیر است بلکه با عمیق ترین احساس مسئولیت انسانی نسبت به بینایی برادر و وضعیت اقتصادی خانوادۀ اش از آنچه که در توان داشت مایه گذاشت. هدف و احساس او شایسته بهترین قدردانی ها است. شاید اگر قرار باشد مدالی والا و با افتخار را نسیب خود کند همان هدفی است که بخاطرش به برزیل رفته بود.

این در حالی است که کمیته بین المللی المپیک یکی از بزرگترین نهاد مالی در میان گردانندگان آنرا در سطح دنیا در اختیار دارد. نهادی که از رئیس و اعضای کمیته تا پایین ترین سطوح آن بجرم فساد مالی و بالا کشیدن میلیارد دلار رشوه و غیره زیانزد خاص و عام است.

۱۷ اوت ۲۰۱۶

## کدام وزنه بردار حقیقی پایمال شده است؟



دو نوشته کوتاه در حاشیه مسایلم المپیک از جمله: "مدال انسانیت" و "فقر در میان ورزشکاران المپیک" را روی صفحه ام در فیسبوک گذاشته بودم. یکی از کاربران فیسبوک در یادداشتی خصوصی برابم نوشته بود:

"به نکات خوبی پرداخته اید اما سوال من این است چرا در مورد بهداد سلیمی که در حرکت یک ضرب رکورد جهان را شکست و در حرکت دو ضرب حذف شد چیزی نگفته اید. آیا به نظر شما این حق کشی نسبت به او نبود؟"

در پاسخ به این دوست ترجیح دادم بدون نام بردن از اسم ایشان در صفحه عمومی نظرم را بیان کنم. و او نیز اگر نظری داشت میتواند همانجا بنویسد.

دوست عزیز، تا جاییکه به کمیته المپیک و هیئت داوران برمیگردد، در دو نوشته قبلی اشاره کرده ام که ساختار فیفا هدف و افقی

جز حیف و میل، سود اندوزی و رقابت که بازتاب آن در فساد مالی این نهاد برای جهانیان عیان است و همه از آن اطلاع دارند هدف دیگری ندارد. بدون شک حق کشی بخش جدایی ناپذیر در سیستم فیفا نیز هست. حتی تداخل مسایل و موضوعات سیاسی در دنیای ورزش نیز در این ساختار کاملاً مشهود است در موارد زیادی المپیک بیمار و ناسالم در دنیای تحت حاکمیت سود، سرمایه، رقابت و کلاشی دست اندرکاران کمیته بین المللی

المپیک، جام جهانی و در میان داوران، هر مسئله ای میتواند دخیل باشد و این در ذات فیفا نهفته است چرا که در زیر چتر این نظام وارونه قابل تعریف است و به این اعتبار چیزی به اسم المپیک مستقل ندارم اما در مورد بسیاری از ورزشکاران از ایران باید بگویم که طی سالهای گذشته و همچنین در المپیک اخیر نیز ورزشکارانی چون کیانوش رستمی مدال گرفتند که مدالهایشان را به حرم شهدای شیعه و یا فلان آیت الله و امام زاده تقدیم کردند. حتی اگر نسبت به کسی چون بهداد سلیمی نیز حق کشی صورت نگیرد باز هم اینها نه بخاطر ارزش و جایگاه واقعی میادین ورزشی بلکه برای بزرگ کردن یک رژیم بغایت مرتجع زور خود را میزنند تا بلکه پرچم ننگین این حکومت آدم کش که هیچگونه حقی برای حضور آزادانه زنان در عرصه های ورزشی قابل نیست را بقول خودشان در میدان ورزشی بالا ببرند.

اغلب ورزشکاران از ایران که در المپیک یا میادین دیگر ورزشی حضور پیدا میکنند، اگر نه حق کشی، حتی بهشان امتیاز ناحق هم داده شود باز هم به این خاطر است که در دایره بده و بستان کمیته المپیک و در دایره مرید بودن ولی فقیه و جمهوری اسلامی می چرخند. برای این دست از به اصطلاح ورزشکاران، ورزش وسیله است و هدف اصلی برای این بسیجیان باد زدن نظام جنایت پیشه اسلامی در دنیای ورزشی است.

از نظر من شهامت و مدال افتخار برای هر ورزشکار مرد ایرانی در هر رشته ای، میتواند این باشد که در اعتراض به ایجاد مانع و حضور آزادانه زنان در استادیوم های

## جدال دو جناح جنبش اسلام سیاسی و نقش سناریو سیاهی سازمان مجاهدین خلق

محمد آسگران

خارج کند .

مردم و جنبشهای انقلابی و اپوزیسیون آزادیخواه جمهوری اسلامی وظایف خطیری در مقابلشان قرار گرفته است نکاتی که از نظر من امروز در ایران و منطقه دارای اهمیت سیاسی و استراتژیک هستند و باید بیش از پیش مورد تاکید قرار گیرند. عبارتنند از :

۱ / جنبش اسلام سیاسی از روز اول با هدف حکومت کردن و دولت داری و سهم خواهی از قدرت و ثروت پا به میدان سیاست گذاشت. جمهوری اسلامی و مجاهدین افغان اولین دو نمونه عروج جنبش اسلام سیاسی در دهه هفتاد میلادی بودند. هر دو آنها دولت را در دست گرفتند و به تقابل با رقبای خود پرداختند.

۲ / القاعده همزاد طالبان در افغانستان بود و هر دو در افغانستان حکومت را اداره میکردند و اکنون هم طالبان و القاعده در یک جبهه و هماهنگ هستند. همه جریانات اسلامی به هدف برقراری حکومت اسلامی و برای حکومت پا به سیاست گذاشته اند. داعش آخرین نمونه آنها است. اخوان المسلمین هم که دیدیم و....

۳ / جدال دو جناح جنبش اسلام سیاسی شیعه و سنی امروز بوسیله جمهوری اسلامی و عربستان هدایت و در تقابل با هم به مرحله حساستری رسیده است. حساسیت این جدال نه در تغییر ماهیت آنها بلکه در تشدید این جدال است .

۴ / جدال این دو قدیمی و از روز اول قدرتگیری خمینی در ایران آغاز شد. ترمینولوژی اسلام آمریکایی برای تقابل با دولت‌های اسلامی پروغرب از جانب خمینی از همینجا نشات گرفت. بحث "صدور انقلاب اسلامی برای رفع فتنه از جهان" و ترس دولت‌های منطقه تقابل آنها را در مقابل جمهوری اسلامی شکل داد .

۵ / تقویت جریانات اسلامی نوع سنی از جانب عربستان و قطر و... از اینجا آغاز شد که اسلام نوع شیعه نتواند قدرت و ثروت را از دست آنها

آزادیخواهی بطور برجسته و امیدبخشی در حال قدرتگیری است این جدال میخواید آنرا از میدان بدر کند و جدال مردم ایران با جمهوری اسلامی را به کانال جدال فرقه ای و قومی سوق بدهد .

۱۰ / جبهه سوم و یا قطب مردم آزادیخواه و احزاب و سازمانهای سیاسی مدرن و مسئول باید در تقابل با این دو جبهه ارتجاع به وظایف خود آگاه باشند .

۱۱ / ما به عنوان حزب کمونیست کارگری ایران وظیفه خود میدانیم همزمان که این دو جبهه ارتجاع را افشا و در مقابل آن می ایستیم، سیاست سرنگون کردن جمهوری اسلامی و ساقط کردن این ستون اسلام سیاسی را در صدر اولویت خود و جنبشهای انقلابی میدانیم .

۱۲ / سرنگونی جمهوری اسلامی از راه یک انقلاب آزادیخواهانه تنها راه عملی و موثر برای شکست کلیت جنبش اسلام سیاسی در ایران و در کل منطقه است .

۱۳ / با سرنگونی جمهوری اسلامی فقط یک طرف جدال جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی ساقط نمیشود بلکه امید و راه مقابله با کل جریانات جنبش اسلام سیاسی را در منطقه به پرچم جنبشهای آزادیخواهی تبدیل میکند .

۱۴ / هر حزب و جریانی که در کنار یکی از دولت‌های اسلامی قرار بگیرد و یا خود را بخشی از این جنبش ارتجاعی معرفی کند باید به عنوان دشمن مردم و جریاناتی سناریو سیاهی معرفی بشود سازمان مجاهدین خلق امروز یکی از آنها است. نقش سناریو سیاهی این سازمان باید بیش از همیشه افشا شود .

۱۵ / بدون شک مردم و جنبشهای آزادیخواه ایران میتوانند از عهده این وظیفه تعیین کننده و سرنوشت ساز برآیند و این جریانات ارتجاعی آینده ای نخواهند داشت .

۱۹ اوت ۲۰۱۶

## جنگ و جنایت جنگی ۱۸ هزار نفر در زندانهای رژیم اسد کشته شده اند!

نسان نودینیان

در ژانویه ۲۰۱۱ شروع شده.

ابعاد جنایت جنگی در سوریه با جانباختن ۱۸ هزار زندانی محدود نیست. در این جنگ نیابتی. بیش از ۳۰۰ هزار نفر کشته شده و خبرگزاری فرانسه تعداد کودکان کشته شده در جنگ را بیش از ۱۴ هزار کودک اعلام کرده است. چهره زشت جهان امروز در سوریه با بمب و حمله و کشتن انسانها کثافتکاری و جنایت سرمایه داری در قرن ۲۱ و دولتهای فاشیستی از اسلامی و "دمکراسی" خواهی دولتی را مردم تجربه میکنند.

کودکان امروز، جوانان نسل آینده تلاش خواهند کرد که تجارب جنگ و جنایت جنگی را به نفع انسانیت و انسان ارتقا و بر متن دستاوردهای جهان امروز جنبش انسانی علیه جنگ و جنایت جنگی را در اختیار نسل های بعدی قرار دهند.

موفقیت و خوشبختی، پیروزی و تسلط جنبش براساس جامعه ای انسانی در گرو وجود کشورهایی است که در آن سوسیالیسم و کمونیستها در قدرت باشند.

۲۹ مرداد ۱۳۹۵

۱۹ وت ۲۰۱۶

## از صفحه ۴ سندج به زندگی ...

دلیر احمدی را عزیز و گرامی می دارد. ما همچنین به فعالین مدنی در سندج که با تلاشهای خستگی ناپذیرشان این کار انسانی را میسر ساختند صمیمانه درود می فرستیم.

به جرات میتوان گفت که امروز جامعه ایران يك جامعه ضداعدام است و خواست لغو مجازات اعدام يك خواست مهم عموم مردم است. همراه با سرنگونی حکومت اسلامی، مجازات شنیع و ضدانسانی اعدام، یعنی قتل عمد دولتی، نیز برای همیشه در ایران به پایان خواهد رسید.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۳ اوت ۲۰۱۶  
۲ شهریور ۱۳۹۵

مصائب فاجعه جنگ در سوریه "نعمت" الهی اسلام اسد - خامنه ای، اردوغان، پوتین و امریکا هر روز بیشتر از گذشته جان انسانها را میگیرند. سوریه به "اردوگاه آشویتس" تبدیل شده. هر روز ده ها نفر از کودکان ساکنین محلات در شهرها طعمه بمب های رژیم اسد - خامنه ای، پوتین و نیروهای ائتلاف قرار میگیرند.

فاجعه کشتن هزاران زندانی در زندانهای اسد در شرایطیکه هزاران کودک در آتش بمب میسوزند، از گرسنگی و عدم دسترسی به دارو و امکانات پزشکی جان میدهند، بحاشیه رفته است. اما قتل عام در زندانهای رژیم فاشیستی اسد صحنه های جنایت در جنگ کنونی را برملا کرده است.

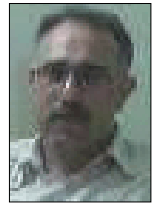
سازمان عفو بین الملل در گزارش تازه ای بر اساس سخنان کسانی که از زندانهای سوریه جان سالم به در برداند می گوید از آغاز جنگ داخلی در سوریه ۱۸ هزار نفر در زندانهای این کشور جان باخته اند و در زندانها شکنجه های وحشیانه حاکم است.

اعتراضات توده ای مردم سوریه تحت تاثیر بهار عربی

خانواده شاکي، روز پنجشنبه، ۴ شهریور ماه، با حضور در قبرستان بهشت محمدی سنندج، مزار مقتول را گلباران کنند.

در چند سال گذشته بخششها بطور چشمگیری افزایش یافته است و این دارد به يك رفتار همه گیر تبدیل می شود که خانواده های داغداربخشش را بجای مجازات اعدام انتخاب کنند. این بخششها پاسخ محکمی از سوی مردم به دستگاه آدم کشی جمهوری اسلامی است که هر روز برای ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه جان شماری را از طریق اعدام می گیرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام از خانواده احمدی برای این کار انسانی قدردانی می کند و یاد



جوانمیر مرادی

اداره اجرائیات شهرداری کرمانشاه مطابق آنچه رئیس این اداره می گوید براساس دستورالعمل کشوری اقدام به جمع آوری کودکانی کرده است که به ناچار از سر فقر و نداری خانوادگی در هر فصلی از سال، زیر آفتاب سوزان تابستان و در سرمای سوزناک زمستان به سر چهار راهها می روند تا از صبح تا شب با شستن شیشه اتومبیلها یا با فروختن چند بسته آدامس چند سکه یا چند اسکناس ۱۰۰، ۲۰۰ و ۵۰۰ تومانی به دست بیاورند. اما این کودکان آن گونه که خود می گویند بعد از انتقال به کمپ ترک اعتیاد چشمه سفید به عنوان تنبیه موی سرشان را تراشیده اند تا دیگر سر چهارراهها پیدایشان نشود!

این اقدام وقیحانه به حدی قبیح و انزجار آور است که هیچیک از ادارات مرتبط با جمع آوری کودکان (اجرائیات شهرداری و بهزیستی) به صراحت مسؤلیت آن را بر عهده نگرفته اند. شهرداری فقط مسؤلیت جمع آوری کودکان را پذیرفته و بهزیستی هم کلا هیچ نقشی را تقبل نکرده است. مهم نیست کدام اداره مرتکب چنین تعرضی شده باشد. نفس اقدام به تراشیدن موی سر کودکان و هر عملی برخلاف میل خود کودک که قرار است با عملی شدن دستورالعملی سراسری در سطح وسیع و برنامه ریزی شده کودکان کار را مورد یورش قرار دهد، تعرض و تعدی به حقوق انسانی او می باشد.

## بر خورد با کودکان کار به مثابه تبهکاران

این دستورالعمل که قرار است از ابتدای شهریور با مشارکت قوه قضائیه، شهرداریها و نیروی انتظامی در امر جمع آوری کودکان کار در خیابان و با هدف زیبا سازی چهره شهر اجرائی گردد، در کرمانشاه قبل از این تاریخ به اجراء گذاشته شده است تا با جمع آوری کودکان کار و با تراشیدن موی سر آنها به عنوان اولین گام اجرای دستورالعمل مذکور از حضور این چهره های سوخته و تاول برداشته در سر چهار راهها، سیمانی رومانتیک و با جذب به شهر داده شود. طبق دستور العمل، زیبایی ای که این انسانهایی ای که بی اراده خود به جرم تولد در خانواده های محروم از آن محرومند، باید از شر حضور این کودکان خلاص گردد!

کودکان کار حالا علاوه بر تحمل شقاوتها و بی رحمی ها حین انجام کارهای حقیرانه و دست فروشی سر چهار راهها باید مانند بردگانی که داغ بردگی بر پیشانی داشتند یا مانند تبهکارانی که علائم یا حلقه های مخصوص بر پا دارند تا شهروندان از آنها دوری کنند، با موی سر تراشیده به عنوان زشت کنندگان سیمای شهر تحقیر گردند. این کودکان که والدینشان مانند مدیران بانکها و مؤسسات و وزارتخانه ها دارای فیشهای حقوقی ۲۴۰ و ۷۵۰ میلیون تومانی و بیشتر نیستند و میلیونها نفرشان اصلا کاری ندارند تا فیش حقوقی داشته باشند، باید با چهره های نحیف و رنگ پریده و با لباسهای مندرس و کفشهای پینه وصله خورده توان ضعیفشان را به هراج بگذارند و در این مسیر گرفتار باندتهای فروش مواد مخدر و

سواستفاده های جنسی گردند. این کودکان مانند فرزندان صدف حسینی رئیس صندوق توسعه ملی جدا از حقوق ۵۷ میلیون تومانی ماهانه فقط از صندوق توسعه ملی (معلوم نیست چند شغل دیگر داشته و حقوقهای دهها میلیونی دیگری هم دریافت کرده) و دریافت وام ۳۰۰ میلیونی با بهره ۴ درصد، پاداشها و عیدیهای چند ده میلیونی پدرشان، یارانه غذا، هزینه پزشکی، هزینههای دندانپزشکی، کمک هزینه اوقات فراغت فرزندان، کمک هزینه خرید لباس، کمک هزینه خرید کتاب، کمک هزینه سفر، کمک هزینه ورزش، کمک هزینه تحصیلی و غیره هر ماه و بدون حتی یک روز عقب افتادگی دریافت نمی کنند. اینها فرزندان ۹ میلیون کارگر اجرائی و بیکار، رقم بیشمار زنان سرپرست خانوار که آمارشان به حساب نمی آید و دهها میلیون کارگری هستند که به خاطر ماهها به تعویق افتادن دستمزدهای ۵ برابر زیر خط فقر از شدت گرسنگی، مانند کارگران کمپوسور برای دزدان فراهم گردیده است.

کودکان بدون هیچ بهانه و توجیهی حق دارند از تمامی امکانات شایسته و مدرن برای زندگی که تأمین کننده شادی، تحصیل، سفر، ورزش و هر آنچه که نیاز کودکیش باشد، برخوردار گردد. باید به کارگران، مزدگیران و بیکاران حقوق یا بیمه بیکاری تأمین کننده رفاه خانواده پرداخت گردد و همه کمک هزینه های لازم برای شکوفائی و شادابی کودکان تأمین گردد تا دیگر هیچ کودکی مجبور به کار در هیچ جایی، سر چهارراه یا درکارگاهها نباشد.

۳۰ مرداد ۹۵  
برگرفته از سایت  
اتحادیه آزاد کارگران ایران

## یادداشتهای هفته... از صفحه ۵

ورزشی از رفتن به المپیک خودداری و یا با هر اقدام ابتکاری اعتراضی دیگری ابراز وجود کنند.

اما دوست عزیز خارج از اینکه در دنیای ورزش چه کسی میگیرد یا رکورد میسکند، مدال اگر میخواهی بدانی حق کشی کجاست و چگونه صورت میگیرد باید سر را چرخاند و خیابانهای تهران و دیگر شهرستانها را نگاه کرد تا متوجه شوید چه کس یا کسانی سنگینی بار و وزنه های بیشتر از آنچه که صدها چابوس و جیره خوار رژیم برای مدالهای اهدایی به حرم فلان کوفت و زهرمار را بلند میکنند را بر دوش دارند. زنان و کودکان خیابانی زیادی در ایران وجود دارند که هزاران کیلو فراتر از سنگینی وزنی که بهداد سلیمی و دیگران بلند میکنند، فشار درد، رنج، نداری، فقر و یک تباهی به تمام را هر روزه بر دوش خود یدک میکنند با این تفاوت که در اوج شرافتمندی و برای تأمین لقمه نانی در مقابل حاکمان میلیاردی نیز سر خم نمیکنند. سوال من این است: چرا کسانی که برای امثال بهداد سلیمی که کاری جز تمجید نظام و دیگری که مدالهایشان را به حرم شهدای شیعه تقدیم میکنند گریه میکنند اما فشار و سنگینی فقر بر میلیونها انسان زن و کودک کارتن خواب چرتشان را برهم نمیزند؟ حال شما بگویید کدام وزنه بردار حقیقی پایمال شده است؟

اگر ریگی به کفش ندارید قبری که نه بلکه باید خیلی زیاد و عمیقاً از ناسیونالیسم ایرانی و ایرانی گری فاصله گرفت. باید از توحش و بربریت اسلامی بدور ماند تا بتوان جایگاه ورزش را از منظر سالم و درست بررسی کرد. ساختار فیفا جایگاه المپیک و دیگر ورزشها را با بده و بستانهای سیاسی، مالی، نژادپرستانه، رقابت و حتی باید بگویم به نوعی ایجاد خصومت و دشمنی در میان ورزشکاران تبدیل کرده است که مخرب به حال جامعه و دنیای سالم ورزشی است.

ما مردم، ما انسانهایی که منتقد عمیق این نظام نابرابر اقتصادی و سیاسی هستیم کارمان باید این باشد و تلاش کنیم که این نابرابری و این دنیای وارونه را روی قاعده اصلی خود بگذاریم. بر بستر این دگرگونی است که میباید ورزشی نیز سرجای واقعی خود قرار خواهند گرفت. متأسفانه امثال اهدا کنندگان مدال از سوی ورزشکاران ایرانی به فلام امام زاده، خود قربانیان این مناسبات هستند که بعضاً آگاهانه در میدان رقابت و کثافت فیفا و جمهوری اسلامی دست و پا میزنند.

دنیای ورزش را میتوان روی پاهای خود نگریست. شخصاً طرفدار آن نوع ورزشی هستم که از دیدن آن همچون یک منظره زیبا لذت ببرم، نه برد و باخت، نه اشک و لبخند، نه رقابت و سود، نه پشت پا زدن به این و آن، نه تحقیر بازنده و به عرش اعلا بردن برنده و نه بزرگ کردن جمهوری اسلامی.

۱۷ اوت ۲۰۱۶

## لیست کمکهای مالی رسیده به کمیته کردستان حزب

کریم شاه محمدی، رحیم یزدانپرست و فرامرز قربانی	۷۰۰۰ کرون
کریم شاه محمدی	۱۲۰۰ کرون
رحیم یزدانپرست	۶۰۰ کرون
فرامرز قربانی	۵۰۰ کرون
پروین سلیمی	۲۰۰ کرون
عزیزه لطفی	۱۰۰ کرون

جمع دریافتی ۹۶۰۰ کرون

عبدل گلبریان / ۲۰ پوند



## اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق تهیه و تنظیم: پدی محمودی



پدی محمودی

### گردهمایی معلمان ناراضی در شهر سلیمانیه

بر اساس گزارشهای منتشر شده روز ۲۱ آگوست تعدادی از معلمان این شهر که به عنوان "معلمان ناراضی" شناخته می شوند در مقابل اداره آموزش و پرورش "روژه لات" (شرقی) در شهر سلیمانیه گرد هم آمدند و به حکومت هشدار دادند که اگر باز هم حقوقهای آنها پرداخت نشود، از ۱۷ سپتامبر معلمان اعتراضات خود را شروع خواهند کرد. در بخشی از اعتراض معلمان آمده است که: "متأسفانه زندگی معلمان بسیار ناهموار است و آنها چندین راه قانونی و مدنی را برای بدست آوردن خواسته های خود در پیش گرفتند، اما حاکمین تا کنون هیچ توجهی به خواسته های آنها نکرده اند". لازم به ذکر است که نزدیک به دو سال است که حکومت اقلیم به بهانه کمبود بودجه و بحران مالی حقوق معلمان و بسیاری از کارمندان دولت را با تاخیرهای طولانی پراخت می کند و سال گذشته نیز با بازگشایی مدارس بسیاری از شهرهای اقلیم کردستان با اعتراضات معلمان روبرو شد.

### اعتراض کارگران پالایشگاه نفت تق قق!

بر اساس گزارشهای منتشر شده روز ۱۷ آگوست ۱۵۰ نفر از کارگران پالایشگاه نفت تق تق در اعتراض به کم کردن دستمزدهایشان دست به اعتراض زدند و خواهان لغو تصمیم مسئولین پالایشگاه برای کم کردن ۲۵ درصدی حقوقهای خود شدند. گفته می شود که اخیراً مسئولین این پالایشگاه تصمیم گرفته اند که حقوق کلیه کارگران را ۲۵ درصد کم کنند و این درحالیست که تفاوت فاحشی بین حقوقها وجود دارد و کارگرانی با ۸۰۰ هزار دینار در ماه کار می کنند، در حالی که کارگرانی

با حقوق ۷ میلیون دینار مشغول بکارند.

### دیدار اتحادیه معلمان با مسعود بارزانی!

روز دوشنبه ۲۱ آگوست رئیس و اعضای رهبری اتحادیه معلمان با مسعود بارزانی دیدار کرده و خواهان پرداخت فوری حقوقهای معوقه خود که تحت نام "پس انداز" به گرو گرفته می شود، شدند. بارزانی در این دیدار گفته مشکلات معلمان را درک می کند و تلاش می کند که تا قبل از شروع سال تحصیلی جدید وضعیت حقوقهای معوقه را حل کند و یا آتراً بازبینی کنند. لازم به ذکر است که در دو سال گذشته حقوق معلمان و بسیاری از کارمندان دولت با تاخیرهای طولانی پرداخت می شود و معلمان در یکسال و نیم گذشته بارها کلاسهای درس را تعطیل کردند و به خیابان آمدند تا صدای اعتراض خود را بگوش مسئولین برسانند، اما هر بار با بهانه های واهی از پرداخت حقوق معلمان و کارکنان دولت سرباز زده اند و گویا این دیدار قرار بوده هشدار جدی معلمان را به گوش بارزانی برساند. گفتنی است که در همین روز معلمان ناراضی شهر سلیمانیه اعلام کرده اند که اگر حقوقهایشان پرداخت نشود از ۱۷ سپتامبر اعتراضات خود را شروع خواهند کرد.

### خروج ۱۲ میلیارد دلار تنها در یک سال!

اخیراً یکی از اعضای پارلمان کردستان عراق از حزب اسلامی کومه ل اعلام کرده که تنها در سال ۲۰۱۴ مبلغ ۱۲ میلیارد دلار پول از اقلیم کردستان خارج شده. سوران عمر این عضو پارلمان گفته: "مردم اقلیم را گرسنه نگه داشته اند و می گویند پول نیست، اما طی یکسال ۱۲ میلیارد دلار از طریق سه بانک به خارج انتقال داده می شود، بدون اینکه معلوم باشد که این پولها از طرف کی و به کجا خارج می شود." لازم به ذکر است که دزدی و چپاول در اقلیم چنان بالا است که حتی خود نمایندگان احزاب حاکم و از جمله این عضو حزب اسلامی دست به

افشاری می زنند، اما همگان می دانند که همه احزاب حاکم به اندازه قدرتشان در حکومت مشغول دزدی و چپاول هستند.

### ضبط ۱۴ کیلو مواد مخدر در شهر اربیل!

گزارشهای منتشر شده از شهر اربیل حاکیست که روز ۲۱ آگوست پلیس این شهر یک باند خرید و فروش مواد مخدر را به دام می اندازد و ۱۴ کیلو گرم تریاک را ضبط می کند. پلیس شهر اربیل در این باره طی اطلاعیه ای اعلام کرده که این باند چهار نفری مشغول وارد کردن مواد مخدر از ایران و مرز باشماخ به اقلیم کردستان بوده اند و همه آنها دستگیر و برای تحقیقات بیشتر روانه دادگاه شده اند. لازم به ذکر است که در چند سال گذشته ورود مواد مخدر به اقلیم کردستان که اکثراً از طریق ایران صورت می گیرد رو به ازدیاد بوده و اکنون جوانان زیادی به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرده اند.

### دستگیری سه تن از مسئولین ناحیه حاجی آباد!

بر اساس گزارشهای منتشر شده روز ۱۷ آگوست سه تن از مسئولین ناحیه حاجی آباد توسط هیئت نظارت دارائی شهر سلیمانیه به جرم اختلاس دستگیر شدند. اتهام دستگیر شدگان دزدی ۱۸۴ هزار لیتر بنزین و ۴۵۰ میلیون دینار عراقی می باشد. گفتنی است که دزدی و چپاول در حکومت قومی مذهبی حاکم بر اقلیم کردستان چنان بالاست که اگر قرار باشد دزدها را بگیرند، تقریباً باید همه مسئولین احزاب حاکم روانه زندان شوند.

### یک زن ۲۰ ساله در شهر کلار خود را حلق آویز کرد!

بر اساس گزارشهای منتشر شده روز ۲۱ آگوست زنی ۲۰ ساله در شهر کلار خود را حلق آویز می کند و بدین ترتیب به زندگی خود خاتمه می دهد. گفته می شود که همسر این زن برای بازجویی و تحقیق در این باره توسط پلیس کلار بازداشت شده. لازم به ذکر است که در اقلیم کردستان بدلیل فشار و بی حقوقی زنان سالانه دهها زن و دختر جوان دست به خودکشی و یا خود سوزنی می زنند و جانشان را از دست می دهند.

\*\*\*

### از صفحه ۱ مرگ در جنگال قوه قضائیه ...

هزار و ۵۰۰ اعدامی بلا تکلیف در کشور داریم»  
۲۰ مرداد ۹۵ در مجلس اسلامی گفتند: «ما در ارتباط با حذف مجازات اعدام در معاونت حقوقی قوه قضائیه موضوع اصلاح قانون را در دستور نداریم. طرحی بود که توسط نمایندگان در مجلس مطرح شد و به نتیجه هم نرسید". (منع تسنیم)

ماشین اعدام جمهوری اسلامی فعال شده، روز شمار تقویم در تیر و مردادماه ۹۵ پر است از اسامی اعدامی ها در زندانهای نظام اسلامی. اعدام دسته جمعی، دو و سه نفره و اعدام و اعدام. جمهوری اسلامی از بدو بقدرت رسیدن با شمشیر قصاص و اعدام و تعزیر و شلاق بجان جامعه افتاده است و همه دار و دسته های حکومتی در انجام این جنایت شریک هستند. کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس اسلامی خود بخشی از سازمان و مجری قصاص و اعدام است. فقها و قضات شرع و تدوین و تصویب کنندگان و مجریان قوانین قصاص را در هر جامعه که بوئی از انسانیت برده باشد به هیچ مدرسه و ارگان دولتی راه نمیدهند. در نظام اسلامی اما اینها در قدرت هستند برای جنایت اعدام و قصاص. چاره فوری: گسترش جنبش علیه اعدام هم اکنون است

خبر: عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس به ایلنا خبر داد: وجود ۴۵۰۰ اعدامی بلا تکلیف در کشور / در قوانین قضایی بازنگری می کنیم.  
ایلنا: عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس گفت: هم اکنون چهار هزار و ۵۰۰ اعدامی بلا تکلیف در کشور داریم که باید برای حل مشکل آنها نیز چاره ای انیشتید.

\*\*\*

روح الله حضرت پور (عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی) در گفتوگو با خبرنگار ایلنا با اشاره به عدم بازدارندگی مجازات زندان در کاهش میزان وقوع جرم اظهار کرد: "هم اکنون شاهد چرخه معیوب تکرار جرم در کشور هستیم به گونه ای که مجرم بازداشت و پس از مدتی از زندان آزاد می شود، اما این فرد باز هم مرتکب جرم می شود؛ یعنی بازداشت و زندان در پیشگیری از ارتکاب به جرم بازدارنده نیست." عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ادامه داد: "در این کمیسیون تلاش می کنیم در رابطه با برخی قوانین قضایی از جمله قوانین مربوط به اعدام و سایر مواردی که مشکل دارد؛ پس از کارشناسی های لازم بازنگری هایی انجام دهیم". وی با اشاره به اینکه مجلس موظف است؛ قوانین قضایی را بازنگری کند، گفت: "واقعیت این است که تکرار بسیاری از جرایم به دلیل آسیبهای موجود در جامعه از جمله بیکاری است."

حضرت پور افزود: "در زندان ها نیازمند اقدامات فرهنگی از جمله آموزش مجرمان هستیم به گونه ای که با توانمندسازی پس از آزادی از زندان مجدد مرتکب جرم نشوند. فضا نباید بدین گونه باشد که مجرمان در یک بند صرفاً زمان خود را سپری کنند."

عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس با بیان اینکه پنج درصد از بودجه ملی باید به قوه قضائیه اختصاص یابد، افزود: "هم اکنون چهار هزار و ۵۰۰ اعدامی بلا تکلیف در کشور داریم که باید برای حل مشکل آنها نیز چاره ای انیشتید."

\*\*\*

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!